

تحلیل و بررسی تعدیل در فقه امامیه، شافعیه، حقوق ونحوه محاسبه مهر به نرخ روز

سید باقر سیدی بنابی^۱

رعنا غلامی^۲

چکیده:

خانواده به عنوان باهویت‌ترین نهاد اجتماعی از دیرباز موقعیت و مقام ممتازی را بین کلیه تأسیسات حقوقی نوین و کهن احراز کرده است، و پر واضح است که از میان مسایل و موضوعات پرشمار این نهاد «مسأله مهر» به عنوان یکی از مسایل «روابط مالی زوجین»، مهمترین موضوعی است که همیشه ضمن بیان عقد نکاح متبادر به ذهن است و امروزه یکی از موضوعات اصلی و اختلاف برانگیز و گاه لاینحل در عقد نکاح، «تعیین مهر» است موضوع دیگر، مسأله تعدیل مهری که وجه رایج بوده یا محاسبه آن به نرخ روز است بحث تعدیل مهریه و محاسبه آن به نرخ روز در قانون احوال شخصیه شیعیان در ماده ۱۲۹ مقرر شده، در مواردی که مهریه به پول تعیین شود و از حین تعیین تا موقع پرداخت بر اثر تورم، پول دچار کاهش ارزش شود، باید بین زوجین مصالحه شود. از نظر اجتماعی ضرورت گنجاندن محاسبه مهریه به نرخ روز در قانون مدنی و قانون خانواده، آشکار است. زنانی که چندین سال قبل با مهریه پولی اندک ازدواج کرده، امروزه آن مبلغ ارزش خود را از دست داده و به منزله تلف شده محسوب می‌شود. از سوی دیگر پول‌های کاغذی امروزی از نظر ماهیت با پول دوران گذشته (سکه‌های طلا و نقره) متفاوت است و نمی‌توان احکام آن را که در روایات و اقوال فقهای گذشته آمده به پول امروزی جاری کرد. بنابراین در این مقاله سعی بر آن شده تا بحث تعدیل را در فقه امامیه و حقوق بررسی کرده و در ضمن مباحث به نظرات شافعی هم اندکی اشاره خواهد شد.

کلمات کلیدی: تعدیل، نرخ تورم، خسارت تأخیر تأدیه، محاسبه مهر.

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

^۲ - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

مقدمه:

با توجه به اینکه در جوامع امروزی، مخصوصاً در دادگاههای حقوق خانواده، بحث تقویم مهریه، یکی از جنجالی ترین بحثهای روز می باشد. بنابراین در صدد هستیم در این مقاله طی چند مبحث به بررسی تعدیل در فقه و حقوق پردازیم. و در ضمن بحث به بررسی ماده ۱۰۸۲ ق. م و تبصره آن و همچنین ارتباط آن با خسارات تأخیرتأدیه بیان خواهد شد. با بیان این مطالب در نهایت به نحوه عملی تقویم به نرخ روز خواهیم پرداخت.

۱-۱- تعدیل مهر در حقوق

۱-۱-۱- مفهوم تعدیل

«تعدیل» یک واژه مرادفی برای اصطلاح محاسبه به نرخ روز است.

قبل از ورود به بحث بهتر دیدیم که واژه «تعدیل» را از دو جنبه لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار داده و پس از آن به تبیین جوانب این مبحث پردازیم:

الف- مفهوم لغوی: تعدیل، مصدر عدل است و در لغت به معنای راست کردن، موزون ساختن، صحیح گردانیدن، پاک و عادل شمردن است. (المعجم البسيط، ناصر علی عبدالله، ص ۱۳۵)

همچنین به معنی پخش کردن بر حسب قیمت نه بر حسب مقدار. بخش بندی و توزیع قیمتها «قسمه التعدیل: تقدیم بر حسب قیمت». (فرهنگ لاروس، ص ۵۹۸)

تعدیل کردن یعنی برابر کردن و از روی عدالت چیزی را تقسیم کردن. (دهخدا، ص ۶۸۰۳)

ب- مفهوم اصطلاحی: واژه «تعدیل» مترادف است با عبارت «محاسبه مهریه به نرخ روز». فقهای قدیمی در مورد تعدیل مهر و محاسبه آن به نرخ روز به طوری که

امروز این بحث مطرح است مطلبی را به صورت مستقل بیان نکرده اند؛ و علت عمده آن هم این است که در آن زمانها وجه رایج درهم و دینار بوده که خود ارزش ذاتی داشته و باگذشت زمان از ارزش آنها نمی کاسته است. می توان گفت مفهوم تعدیل مهر در اصطلاح این است که هرگاه مهر به صورت وجه نقد تعیین شده باشد، و باگذشت زمان و نوسانات اقتصادی ارزش پول به شدت کاسته شود، این امر موجب بوجود آمدن مشکلاتی خواهد شد که ضرر اصلی آن متوجه زوجه خواهد شد. مثلاً زنی که پنجاه سال پیش در قبال پنجاه ریال به عقد مردی در آمده است این مهریه گرچه در زمان عقد قابل توجه بوده، امروزه عرف آن را تلف شده و پرداخت همین مبلغ را ستمی به زن می داند. چنانچه ملاحظه می شود معنای اصطلاحی تعدیل نزدیک به معنای لغوی است و آنچه که از مفهوم آن بدست می آید، تقسیم عادلانه و پرداختی که خالی از ضرر و زیان به یک طرف باشد. همچنین باید رعایت تسویه صورت پذیرد و آنچه شخص مستحق آن است دریافت دارد. استفاده از واژه تعدیل در پرداخت مهر از سوی مرد نیز دقیقاً در همین معنا استفاده می شود. چرا که آن چه را زن استحقاق دارد تحصیل نمی کند. بنابراین باید مهر او تعدیل شود و مهری به زن داده شود که حق مکتسبه او ترضیع نگردد، پس تعدیل همان محاسبه مهریه به نرخ روز است. نرخی که کمترین ضرر به زوجه باشد.

۱-۱-۲- ضرورت تعدیل مهریه های پولی

از نظر فقهی هر آنچه که قابل تملک باشد، می تواند مهر در نکاح قرار گیرد. براین اساس مهریه ممکن است عین، منفعت، دیون و حقوق باشد. ولی در بسیاری از خانواده ها هنگام ازدواج فرزندان، به جای اینکه بخواهند عین یا منفعت یا حقوق را به عنوان مهر قرار دهند، ترجیح می دهند که وجه نقد را مهریه قرار دهند. زیرا تبدیل اموال مذکور به اموال مورد نیاز به آسانی مقدور نیست. پول به عنوان واسطه در مبادلات است. گرچه مطلوبیت آن ذاتی نیست ولی مرغوبیت آن بیش از سایر

اموال است. با این وجود، مشکل اساسی آن از دست رفتن نقش واسطه ای یا کاهش آن است. امروزه ارزش پول اعتباری بوده و به همین دلیل گاهی با تغییر نظام سیاسی از اعتبار ساقط و از گردونه مبادلات خارج می شود و نقش واسطه ای خود را از دست می دهد. گاهی نیز به دلیل شرایط اقتصادی، نقش واسطه ای پول کمتر شده به اصطلاح، از ارزش و قدرت خرید آن کاسته می شود. در این صورت تعیین مهریه با پول کارکردهای اقتصادی و اجتماعی اش را از دست داده و نمی تواند وثیقه ای در قبال حق طلاق مرد و تامین آینده زن باشد. در حقیقت می توان اضافه کرد که مهریه های پولی در فرض افت مالیت و ارزش شدید، به هیچ کاری نمی آیند و بی خاصیت و تلف شده محسوب می گردند. این مسئله باعث شد که تدبیری اتخاذ شود تا مالیت پول به آن برگردانده شود و کارکردهای اجتماعی و اقتصادی مهریه های پولی حفظ گردد. این تدبیر همان تعدیل مهریه است. (هدایت نیا، ص ۱۴۱) طرح تعدیل مهریه از جمله تحولاتی بود که در ارتباط با مقررات خانواده و روابط زوجین پس از انقلاب اسلامی ایران رخ داد. در این خصوص یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م.الحاق شد. که دگرگونی مهمی در روابط مالی زوجین بوجود آورد.

۱-۱-۳- ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی

ماده ۱۰۸۲ ق. م مقرر می دارد: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید».

تبصره - «چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص سالانه زمان تادیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند».

لایحه مربوط به احتساب مهر به قیمت روز که در تاریخ ۷۶/۴/۲۹ به تصویب رسید و در تاریخ ۷۶/۵/۸ عدم مغایرت آن با قوانین شرع توسط شورای نگهبان اعلام شد، گامی موثر در جهت حفظ حقوق زنان و جلوگیری از اجحاف و ظلم توسط برخی مردان نسبت به زنان به شمار می آید.

۱-۱-۴- شرایط و قلمرو تقویم مهر به نرخ روز

الف- شرایط تقویم مهر به نرخ روز - با دقت نظر در متن تبصره ۱۰۸۲، آیین نامه اجرایی آن به عنوان تنها مستند قانونی تقویم مهر می باشد. با توجه به اطلاق موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م سال ۱۳۷۹ میتوان آنرا، دومین مستند قانونی تقویم مهر به نرخ روز به شمار آورد. با توجه به عام بودن این ماده و خاص بودن تبصره ۱۰۸۲ ق.م. سال ۷۶، علیرغم اینکه نسبت به تبصره مذکور موخر واقع شده است، تخصیص می خورد. کتب اصولی علت تاخیر عام را تاکید بر خاص بیان می دارند. (مظفر، ج ۱، ص ۳۶۴-۳۶۲)

و اما شرایط مستفاد از تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م عبارتند از:

۱- وجه باشد- با این قید مستقلات اراضی یا کالا از شمول قاعده خارج می شود. روشن است که این موارد قابلیت اینکه موضوع مهر قرار گیرد را دارا هستند لیکن به جهت آنکه ارزش آنها ذاتی و واقعی است نه اعتباری که معرف قدرت خرید خاصی باشد، دیگر تقویم آنها بی معناست. (داد مرزی، تقویم مهریه به نرخ روز، ص ۷۴)

۲- رایج باشد - با این قید، وجه غیر رایج اعم از ارز خارجی یا وجهی که در ایران از نظر زمانی در حال حاضر رایج نیست و در گذشته رایج بوده از کلیت این قاعده خارج می شوند. (پولادی، ص ۱۵۴)

۳- مسبق به ادا نباشد - به عبارت روشن تر درست است که بر طبق رای وحدت رویه شماره ۶۴۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۸، به تردیدهای قضات و اداره حقوقی دادگستری، در خصوص امکان عطف به ماسبق نشدن قانون الحاقی یک تبصره به ماده مذکور، پایان داده شد، لکن، ظاهر تبصره و آیین نامه اجرایی آن ناظر به موردی است که مهریه ای که به وجه رایج است و قبلاً دریافت نشده است و چنانچه مهر ای که دریافت شده، خواه قبل از تصویب قانون مورد نظر خواه پس از تصویب آن، قابل تقویم به نرخ روز نمی باشد. چراکه زوج با پرداخت آن میزان از مهر دین خود را ادا کرده و دیگر نسبت به کاهش ارزش پول، ضامن نخواهد بود.

این مساله در حکم موردی است که زوجین تراضی برخلاف کرده باشند. (تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م)

۴- عدم تراضی زوجین در نحوه وصول مهر - مفهوم چنین استثنایی این است که سایر موارد تحت شمول قاعده کلی «محاسبه در زمان تأدیه» قرار می گیرد. ماده واحده مقرر می دارد که، مهر متناسب با تغییر شاخص محاسبه می شود و از این قاعده یک مورد توافق حین العقد استثنا شده است. براساس اصول کلی، حتی پس از عقد در زمان وفای به عهد نیز می توان در رابطه بامیزان زمان، مکان و نحوه انجام یافتن تعهد به توافق رسید و چنین توافقی معتبر خواهد بود. البته پر واضح است که این توافق نباید با توسل به اکراه، تدلیس و حتی سوء استفاده از موضع حاکم شوهر، به نحوی که رضایت زوج را مخدوش کند حاصل شده باشد. (پولادی، ص ۱۷۲)

۵- اثر توافق طرفین - در تبصره ماده ۱۰۸۲ به این صورت آمده: «در صورتی که زوجین در حین اجرای عقد در خصوص محاسبه و پرداخت مهر وجه رایج به نحو دیگری تراضی کرده باشند مطابق تراضی ایشان عمل خواهد شد». اجرای این تبصره زمانی صورت می گیرد که زوجین در حین عقد به نحو دیگری تراضی نکرده باشند. ولی اگر آنها بنا به مصالح یا شرایطی، هنگام عقد قرار بگذارند که هر موقع مهریه

پرداخت شود، همان مقداری باشد که در عقدنامه مندرج شده و با توجه با تاثیرات زمانی و مکانی در ارزش مهریه، مقدار آن تغییر پیدا نکند.

ب- قلمرو تقویم مهر به نرخ روز - تقویم مهر شامل مواردی است که در ذیل به آن اشاره می شود:

۱- موضوع محاسبه به نرخ روز در مورد مهر می باشد و سایر آثار مالی نکاح همچون نفقه از شمول این حکم خارج است.

۲- تقویم مهر تنها در مورد عقد دائم صورت نمی گیرد. با استناد به ماده ۱۰۹۵ ق.م و با لحاظ کردن این مطلب که کلمه مهر در ماده ۱۰۸۲ ق.م مطلق و بدون هیچ قیدی است، روشن می شود که مهر در عقد موقت نیز قابل تقویم به نرخ روز می باشد.

۳- عواملی که موجب ازهم پاشیدن رابطه زوجیت مثل (طلاق، فسخ، انفساخ بذل مدت و انقضاء مدت) می شوند هیچ تاثیری در محاسبه مهر به نرخ روز نمی کند.

۴- تقویم مهریه از بین اقسام آن تنها شامل مهر المسمی می شود و مهر المتعه و مهر المثل از شمول این قاعده خارج اند.

۵- منظور از زمان تادیه طبق ماده واحده قانون مدنی، زمان تنظیم دادخواست یا زمان صدور حکم و غیره نیست. بلکه، منظور زمان اجرای قطعی حکم است. چنانچه مصوب تفسیری مجلس مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ چنین می گوید: «منظور از زمان تادیه زمان اجرای قطعی و لازم الاجر است».

۱-۱-۵- تعدیل دیون دیگر

با توجه به این که قانونگذار تعدیل دین را از دین ناشی از مهر آغاز کرد، و قانوناً چنین تعدیلی را در جهت حفظ حقوق زنان و جلوگیری از اجحافی که ممکن است بر آنان روا گردد پذیرفت. اما موضوع مهر خصوصیتی ندارد و باید همه دیون را شامل شود. (شهیدی، «نگاه قانونی به مساله مهریه زنان به نرخ روز» نشریه زن روز، شماره ۱۶۷۸، ص ۴۲) قانون گذار در سال ۱۳۷۹ با تصویب ق.آ.د.م، در ماده ۵۲۲، عملاً پذیرفت که طرح تعدیل در سایر دیونی که وجه رایج اند قابل تسری می باشد.

با مذاقه در ماده مذکور شرایط تحقق تعدیل دین به شرح ذیل روشن می گردد:

۱- وجه رایج بودن دین : بدین معنا که موضوع دعوی خسارت تاخیر تادیه، وجه رایج باشد.

۲- مطالبه داین: طلبکار باید پرداخت دین را به طریق مقتضی، مطالبه نماید در دیونی که دارای سررسید بوده، حلول تاریخ پرداخت، دلیل بر مطالبه است و اثبات آن لازم نیست. اما در دیون بدون مدت، مطالبه دین باید به طریق قانونی مانند، ارسال اظهارنامه و اقامه دعوی حقوقی صورت گرفته باشد.

۳- امتناع مدیون از پرداخت.

۴- تمکن مالی مدیون : که همان توانایی و استطاعت مدیون در پرداخت دین است.

۵- تغییر فاحش شاخص قیمت سالیانه: این شاخصها که همان شاخص تورم است توسط بانک مرکزی تعیین می گردد . شروط فوق الذکر دال بر این معناست که عامل استحقاق داین بر خسارت تأخیر تادیه ، خسارتی است که به سبب عدم پرداخت

دین در موعد ، بر دائن وارد شده است و مبنای خسارت فوق ، قاعده تسبیب^۳ است که به موجب آن هرکس سبب ورود ضرر شود ، مکلف به جبران آن است .

۱-۱-۶- بررسی تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. در ارتباط با خسارت تأخیر تأدیه

الف- ماهیت خسارت تأخیر تأدیه: ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م سابق، که در مرداد ماه سال ۱۳۶۲، توسط فقهای شورای نگهبان، مغایر موازین شرع تشخیص داده شد، بنابه تغییراتی که در سال ۱۳۷۹ صورت گرفت این ماده حذف و به این صورت تغییر یافت: «در دعای که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون ، مدیون امتناع از پرداخت نموده ، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالیانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و سپس از مطالبه طلبکار ، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد . مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.» اصطلاح خسارت تأخیر در مواردی استعمال می شود که متعهد در انجام تعهد خود در موعد مقرر تعلل نماید و اجرای آن را به تأخیر اندازد و در نتیجه این تأخیر ، خسارتی بر متعهدله وارد شود . به نظر می رسد این اصطلاح را در هر مورد می توان به کار برد. خواه موضوع تعهد، پرداخت مبلغی وجه نقد باشد، خواه تسلیم مال یا انجام امری باشد. حال آیا محروم ماندن متعهدله از منافع خود در اثر تأخیر عرفاً ضرر محسوب می شود یا خیر؟

همان طوری که اشاره شد خسارت تأخیر تأدیه فقط شامل موردی که موضوع آن پول باشد نیست بلکه در تمام انواع تعهدات مصداق پیدا می کند . هرگاه متعهد در سر موعد تعهد خود را انجام ندهد و مانع انتفاع متعهدله از اموالش بشود و از منافع آنها محروم بماند و از این جهت متحمل ضرر و زیان شود متعهد ملزم به جبران آن

۱-۳ من اضر بطریق المسلمین فهو له ضامن».

است. و چون امروزه عرفاً این گونه عدم النفع ضرر محسوب می شود برای اینکه حداقل استفاده و بهره ای که متعهدله می تواند از پول خود ببرد این است که با سپردن به بانک از سود آن بهره مند شود. (کاتوزیان، ج ۴، ص ۳۳۷) پس می توان گفت:

۱- به استناد قاعده لاضرر، هرگونه ضرری قابل جبران است.

۲- عدم النفع در مواردی که عرف آن را ضرر بداند ضرر محسوب شده و قابل جبران است.

۳- محروم ماندن از منافع پول و کاهش ارزش آن امروزه در نظر عرف ضرر محسوب می شود.

پس نتیجه اینکه مطالبه خسارت تأخیر تأدیه که در واقع جبران ضرر و زیان ناشی از محروم ماندن از منافع پول است شرعاً و عرفاً و عقلاً درست و جایز می باشد. امام خمینی (ره) در مورد پرداخت مبلغی اضافی از مهر مورد توافق توسط زوج، نظر منفی دادند و راجع به خسارت تأخیر تأدیه اعلام حرمت نمودند. در سوالی که از حضرت امام، راجع به ازدیاد مهریه بر اثر تورم شده جواب فرمودند: در مورد مهریه زن همان مقدار که در متن عقد قرار داده شده در ذمه زوج است و با اختلاف ارزش پول و قدرت خرید تغییر پیدا نمی کند. (مجله حقوق زن، سال اول، شماره ۲، تیر ۷۷، ص ۴۰ و ۴۱) ولی برخی فقها همچون خوئی (ره)، آنجا که پرداخت اضافه تنها جبران کننده تلف مالیت پول باشد حکم به صحت و درستی آن پرداخت داده و مورد را از مصادیق ربا خارج دانسته اند. (نظرات آیات عظام خوئی، اراکی، گلپایگانی، رساله تطبیقی، نشر بلاغت، ج ۲، ص ۸۵ به بعد)

شورای نگهبان در پاسخ به نامه شورای عالی قضائی در مورد خسارت تأخیر تأدیه

(۶۴/۴/۱۲) اعلام نمود:

«مطالبه ما زاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تأخیر تأدیه چنانچه حضرت امام (ره) نیز صریحاً با این عبارت «آنچه به حساب دیر کرد تأدیه بدهی گرفته می شود ربا و حرام است» اعلام نموده اند، جایز نیست واحکام صادره بر این مبنا شرعی نمی باشد. (مهرپور، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳، ص ۱۹۳)

در سال ۱۳۶۷ شورای عالی قضایی به دلیل برخی ابهامات موجود دوباره نظر شورای نگهبان را درباره خسارت تأخیر تأدیه جویامی شود. فلذا شورای نگهبان نظر خود را به شرح ذیل اعلام می دارد: «آن قسمت از ماده ی ۳۴ سابق قانون ثبت و تبصره ۴ و ۵ آن و ماده ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرایی که اخذ مازاد بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت تأخیر تأدیه مجاز شمرده است، خلاف موازین شرع و باطل اعلام می شود. لازم به تذکر است که تأخیر اداء دین حال ، پس از مطالبه ی طلبکار ، برای شخص متمکن شرعاً جرم و قابل تعزیر است». (مهرپور، همان، ص ۱۹۴) بانظریات فوق الذکر، اخذ خسارت دیر کرد ، عملاً در محاکم ایران تعطیل شد و قوانین مربوط به خسارت تأخیر تأدیه ، غیر قابل اجرا و مسکوت ماند. تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ ق.م. در سال ۱۳۷۶ مفهوم خسارت تأخیر تأدیه را مجدداً در حقوق ایران احیاء نمود و پس از آن قانون آ.د.م، در ماده ۵۲۲ مجدداً به اخذ خسارت تأخیر تأدیه صحه نهاد. (اسدی ، نقد تحلیل مصوبات حقوقی زنان از طرح تا اجرا ، شماره ۱۳ ، ۱۳۸۰ ، ص ۴)

ب- ارتباط ماده ۱۰۸۲ ق.م با خسارت تأخیر تأدیه: از آنچه راجع به حساسیت فقهای اسلام در مورد ربا و طرد آن در صورت وجود کوچکترین شبهه وجود دارد، می توان دریافت هرگاه به صورت مطلق مبلغی اضافه از دین به عنوان خسارت تأخیر تأدیه از مدیون گرفته شود، احتمال ربا در آن منتفی نیست. زیرا خسارت تأخیر تأدیه الزاماً مبلغی به عنوان جبران کننده تلف مالیت پول نمی باشد، بلکه عوامل متعددی می تواند مبنای حکم قانونگذار به خسارت تأخیر تأدیه باشد. شاید یکی از دلایل، کاهش ارزش پول و لزوم جبران تلف مالیت پول توسط مدیون بوده است. اما، تنهایی دلیل

مبنای منحصر این مقررات مذکور نیست بلکه عوامل دیگری نیز موجب وضع این مقررات بوده است مثلاً جلوگیری از ایجاد اختلال در سیستم تجارت و نیز ایجاد عدالت و... اگرچه همه دلایل مربوط به مقرر نمودن خسارت تأخیر تأدیه منطقی بوده و برای ایجاد نظم در جامعه ضروری می نموده، با این حال چون به طور مطلق تأخیر در پرداخت هرگونه دین توسط بدهکار خواه متمکن و خواه فقیر را موجب الزام وی به پرداخت خسارت می دانسته لذا احتمال وجود ربا منتفی نبوده به همین دلیل شورای نگهبان آن را غیرشرعی اعلام کرده است. اگرچه کاهش ارزش پول به افزایش نرخ تورم در تعیین ۱۲٪ خسارت بی تأثیر نبوده، اما مسلماً این دلیل به عنوان ملاک اصلی و منحصر تعیین خسارت نبوده است. (کریمی، ق.آ.د.م.ارتباط ماده ۱۰۸۲ ق.م. با خسارت تأخیر تأدیه، ص ۲۴)

این درحالی است که تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. تنها یک دلیل منطقی و قابل قبول دارد، و آن لزوم جبران تلف مالیت پول است. مقنن با احترام به اراده طرفین و باملاحظ داشتن نرخ رسمی تورم، زوج را ملزم به پرداخت مبلغ واقعی مورد توافق (مبلغ عددی مورد توافق + مبلغ اضافی با توجه به تغییر شاخص قیمتها) می نماید. این مبلغ واقعی به هیچ وجه از قبل نمی توانسته مقطوع باشد. چون نرخ تورم به طور دقیق از گذشته، قابل پیش بینی نیست. در مورد تبصره مذکور، مدیون مبلغی جهت خسارت داین نمی دهد بلکه در واقع با احترام به اراده خود و طرف عقد مبلغ واقعی مورد توافق را به دائن پرداخت می نماید. مسلماً اگر تبصره مذکور مبلغ اضافی مقطوع را در سال برای جبران خسارت زوج در نظر می گرفت شورای نگهبان برای اجتناب از ربای احتمالی به دلیل عدم تطابق با موازین شرعی آن را مردود می دانست ولی چون با طرح مسئله پرداخت اضافی توسط زوج دقیقاً با توجه به تغییر شاخص قیمت ها نسبت به سال عقد قصد نائل آوردن زوجه به پول واقعی خویش را داشته، لذا هیچ شبهه ای از ربا در نظر فقهای شورای نگهبان نیامده و اقدام به تأیید آن نموده اند.

با امعان نظر به آنچه گذشت، می توان دریافت که، هدف تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م.رساندن دائن به پول واقعی خویش است و مبلغ اضافی که مدیون ملزم به پرداخت آن می شود، به هیچ وجه ثبات و مقطوع نیست و باتوجه به نوسانات ارزش پول کم و زیاد می شود. چه بسا با رسیدن کشور به ثبات اقتصادی، مدیون الزامی به پرداخت مبلغ اضافی نداشته باشد. در حالیکه هدف از خسارت تاخیر تادیه علاوه بر این که وضع مقررات تاخیر به خاطر تهدید مدیون به جریمه در صورت عدم پرداخت دین در موعد معین نیز می باشد. (کاتوزیان، صص ۲۷۴ و ۲۷۵)

اما در مورد جبران تلف مالیت پول، موضوع تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م.ر وضع به گونه دیگر است. تبصره مذکور به طور مطلق زوج را مکلف به پرداخت مبلغ مهر، با توجه به تغییر شاخص قیمتها، نسبت به زمان انعقاد عقد نموده و مطالبه یا عدم مطالبه راموثر در محاسبه مهر اعلام نداشته است. باتوجه به اطلاق این تبصره و این که پرداخت مبلغ اضافه از مبلغ عددی مورد توافق در زمان عقد خسارت تاخیر تادیه به حساب نیامده، بلکه تنها به خاطر رسیدن زوجه به پول واقعی خویش است. لذا عدم مطالبه مهر توسط زوجه هیچ تاثیری در محاسبه آن نداشته و زوج مکلف است مهر زن را، باتوجه به تغییر شاخص قیمتها، نسبت به سال انعقاد عقد محاسبه و پرداخت نماید.

راجع به آنچه در قباله های نکاح به عنوان عندالمطالبه بودن مهر شرط می شود، می توان چنین گفت که شوهر تنها پس از مطالبه توسط زن مکلف به پرداخت مبلغی اضافه از مبلغ عددی مورد توافق می باشد. چون طرفین در هنگام عقد، پرداخت مهر را حال قرار نداده بلکه پرداخت آن آن منوط به مطالبه زوجه نموده اند. بنابراین باتوجه به وضعیت عقد نکاح هرگاه زن در صدد دریافت مهر خویش برآید، شوهر مکلف است مبلغ مهر را با توجه به تغییر شاخص قیمتها از هنگام عقد محاسبه و پرداخت نماید و شرط عندالمطالبه بودن تاثیری بر اطلاق تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م.ر نداشته

وتنها اثرش این است که، تا هنگام مطالبه توسط زوجه، زوج می تواند پرداخت دین خویش را به تاخیر اندازد.

ج- فرق بین ربا و خسارت تأخیر تأدیه: مهمترین فرق ربا و خسارت تأخیر تأدیه این است که، مبلغ اضافی اعطایی در خسارت (دیرکرد) به دلیل ضرری است که به طلبکار وارد آمده است. درحالیکه در ربا مبلغ اضافی ما به ازایی ندارد و صرفاً درمقابل توافق به اعطای دین یا تأجیل در پرداخت آن است، به اضافه اینکه میزان ربا برای مدت قرارداد مشخص می شود درحالیکه خسارت تأخیر تأدیه، ضررهای ناشی از عدم دسترسی طلبکار به سرمایه اش را بعد از رسیدن موعد پرداخت پوشش می دهد (سلطانی زمانی، نگاهی تطبیقی به جبران خسارت تأخیر تأدیه در فقه و حقوق، سال چهارم شماره ۱۴، پاییز ۸۶ ص ۱۶۳)

د: علت ربا نبودن خسارت مندرج در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م: در علت ربا نبودن خسارت مندرج در ماده ۵۲۲ ق.آ.د. دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، باید گفت که در ربا میزان بهره، بدون توجه به کاهش یا افزایش ارزش وجه نقد تعیین می گردد. اما در ماده فوق آنچه موجب ذیحق شدن دائن و امتناع مدیون از پرداخت در صورتی که دارای تمکن مالی در پرداخت دین باشد. با افزایش نرخ تورم، خسارتی به دائن وارد می آید که مسبب آن مدیون بوده است. پس ملزم نمودن مدیون به جبران خسارت مطابق قاعده است. (اسدی، پیشین، ص ۳۸۰)

۱-۱-۷- مقایسه تبصره الحاقی با ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی

موضوع این قانون از این جهت که «دعوی دین از نوع وجه رایج» است و نیز از این جهت که مربوط به موردی است که مبلغ دین به دلیل نوسانات قیمت سالانه، تغییر کرده و بدهکار باید قیمت تعدیل شده را پرداخت نماید، شبیه تبصره الحاقی است. براساس هردو قانون، مدیون خواه زوج یا غیر آن باشد ضامن کاهش ارزش پول

است. با وجود این بین این دو قانون تفاوت‌هایی وجود دارد که در مورد مبانی فقهی - حقوقی این قوانین باید مورد توجه قرار گیرد:

الف - ذکر کلمه «فاحش» در ماده ۵۲۲ آمده است؛ یعنی تغییراتی که فاحش باشند در ضمان بدهکار است. ولی این قید در تبصره الحاقی نیامده است یعنی به صورت مطلق آمده است و از عبارت «تغییر شاخص قیمت سالانه» مستفاد می‌شود که ضمان هم شامل تغییرات کم و هم شامل تغییرات فاحش می‌شود.

ب - ضمان کاهش ارزش در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م منوط به دو شرط است: اولاً؛ داین طلب را مطالبه کند. ثانیاً؛ مدیون در عین تمکن، از پرداخت بدهی خودداری نماید. هیچ یک از دو شرط مذکور در تبصره الحاقی نیامده است. لذا توجه نیازی به اثبات «مطالبه مهر» ندارد. همچنین مهم نیست که زوج در عدم پرداخت مهرتا زمان طرح دعوی متمکن یا غیر متمکن باشد.

ج - تعدیل مبلغ دین در ماده ۵۲۲، در محدوده زمانی سر رسید تا هنگام پرداخت مورد محاسبه قرار می‌گیرد. با وجود اینکه در تبصره الحاقی تغییرات از زمان عقد تا سال قبل از درخواست تعدیل مورد توجه قرار می‌گیرد. رابطه منطقی تفاوت اول و دوم و تبصره الحاقی عام و خاص مطلق است. تبصره الحاقی یک قانون خاص است و فقط در مورد مهریه زوجین قابل اعمال است. لذا بحث ناسخ و منسوخ بین این دو قانون مطرح نخواهد شد. لذا عدم درج شرایط مذکور در ماده ۵۲۲، در تبصره الحاقی از روی غفلت نبوده است. بلکه با وجود اصرار برخی نمایندگان برای اضافه نمودن قیود و شروطی به آن، مدافعان طرح تعدیل مهریه با آن موافقت نکردند، زیرا درخواست تعدیل، اثبات مطالبه زوج و تمکن زوج نه تنها دشوار، بلکه غیر ممکن است. (هدایت نیا، پیشین، صص ۱۹۶-۱۹۴)

۱-۲- تعدیل مهر در فقه

از جهت فقهی در مورد تعدیل مهر برخی مخالف و برخی موافق آن هستند که در ادامه به بررسی این دو نظریه می پردازیم:

۱-۲-۱- **دلایل مخالفین:** برخی از فقها، با تقویم مهر به نرخ روز مخالفند و آنها معتقدند که، در پرداخت دیون پولی باید به قدرت خرید اسمی و مبلغ عددی توجه شود نه قدرت حقیقی یا قدرت خرید و مهمترین دلایل آنها به شرح ذیل می باشد.

الف - در فقه امامیه

۱- **مثلی بودن پول** - ضمان کالاهای مثلی به مثلی است و این مسلمات فقه می باشد. چنانچه مدیون مبلغ اسمی را به دائن پرداخت نماید بری الذمه می شود. (پیشین، ص ۱۴۸)

۲- **مساله ربا** - مساله ربا بایکی از مهمترین دلایلی است که مخالفین تعدیل مهر مطرح می کنند. آنها معتقدند که مطالبه بیش از آنچه که به ذمه مدیون است هر چند برای کاهش ارزش پول باشد مصداق ربای حرام است.

۳- **قاعده اقدام** - استدلال دیگری که در بیان مخالفین تعدیل مشاهده می شود این است که در دو صورت قاعده اقدام مانع از آن است که بتوان بدهکار را ضامن افت مالیت پول دانست. یک صورت افت مالیت پول در فاصله بین ایجاد و سر رسید پرداخت آن، در دیون مؤجل است، اگر کسی به دیگری قرض بدهد و بپذیرد که تا یک سال دیگر در ذمه مدیون باقی بماند مدیون ضامن کاهش ارزش پول در طول این یک سال نمی باشد، زیرا بدهکار در طول این مدت امین است و چون قصوری در وفای به تعهد از او سر نزده است ضامن نمی باشد. صورت دیگر، دیونی هستند که زمان پرداخت آنها به مطالبه داین، واگذار شده است و به اصطلاح، عنداالمطالبه اند در این قبیل تعهدات نیز تا قبل از مطالبه داین، بدهکار ضامن کاهش ارزش پول نیست.

۴- روایات - گروهی هم بر این باورند که روایات ، دلالت بر نامشروع بودن جبران کاهش ارزش پول دارند و موافق تعدیل مهریه نیستند. از آن جمله روایت معتبر «یونس» از حضرت علی بن موسی الرضا است: «یونس در نامه ای به امام رضا (ع) می نویسد: ده درهم بستانکارم و حاکم نیز آن در هم ها را امروز از گردش انداخته و در هم هایی عالی تراز آنها را رواج داده است. در هم هایی که من به وی داده بودم، اکنون کم بهایند. اکنون کدامیک از درهم ها برعهده بدهکار است؟ درهم های نخست و از جریان افتاده، یا درهم هایی که امروز رایج اند؟ حضرت فرمودند: همان درهم های نخست را»^۱. (حرعاملی، ص ۴۸۸)

روایت دیگر، روایت صفوان است. «صفوان گفت: معاویه بن سعید از معصوم (ع) درباره کسی پرسید که، چند درهم وام گرفته و آن درهم ها اکنون از دور خارج شده یا دگرگون شده اند و چیزی با آنها داد و ستد نمی شود. آیا برای وام دهنده همان درهم های پیشین است یا درهم هایی که در گردش هستند؟ امام فرمود: وام دهنده صاحب درهم های پیشین است نه درهم های دیگر»^۲. (منبع پیشین، ص ۴۸۸) چنانچه گفته شد. پدیده کاهش ارزش پول در اثر تورم، در زمان ائمه معصوم (ع) وجود خارجی نداشته و به همین دلیل بعید به نظر می رسد که روایتی به صراحت یا به طور ضمنی ، دلالت بر قابل جبران بودن یا نبودن کاهش ارزش پول داشته باشد.

^۱ - «كُتِبَ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ إِلَى الرَّضَاءِ (ع): أَنَّهُ كَانَ لِي عَلَى رَجُلٍ عَشْرَةُ دِرَاهِمٍ وَإِنَّ السُّلْطَانَ اسْقَطَ تِلْكَ الدَّرَاهِمَ وَجَاءَتْ دِرَاهِمٌ أَعْلَى مِنْ تِلْكَ الدَّرَاهِمِ الْأُولَى . فَلَمَّا الْيَوْمَ وَضَعْتَهُ ، فَأَيُّ شَيْءٍ لِي عَلَيْهِ ؟ الْأُولَى الَّتِي اسْقَطَهَا السُّلْطَانُ أَوِ الدَّرَاهِمِ الَّتِي إِجَازَهَا السُّلْطَانُ ؟».

^۲ « قَالَ : سَأَلْتُ مَعَاوِيَةَ بْنَ سَعِيدٍ عَنْ رَجُلٍ اسْتَقْرَضَ دِرَاهِمَ عَنْ رَجُلٍ وَسَقَطَتْ تِلْكَ الدَّرَاهِمُ أَوْ تَغَيَّرَتْ ، فَلَا يُبَاعُ بِشَيْءٍ ، وَالصَّاحِبُ الدَّرَاهِمَ ، الْأُولَى أَوِ الْجَائِزَةِ الَّتِي تَجَوُّزُ بَيْنَ النَّاسِ ، فَقَالَ : لِصَاحِبِ الدَّرَاهِمِ : الدَّرَاهِمِ الْأُولَى ».

ب- در فقه شافعیه: برخی از عالمان و اقتصاد دانان مسلمان اهل سنت از جمله شافعی ها ، در مخالفت یا جبران کاهش ارزش پول ادله ای را ذکر کرده اند که چکیده آن چنین است:

۱- مصداق ربا- جبران کاهش ارزش پول مصداق ربا است. معتقدان به این دلیل ، عدم جواز جبران کاهش ارزش پول در دیون مالی و امثال آن را ، روبرو شدن با ربا می دانند. یعنی به نظر این گروه اگر کاهش ارزش پول جبران شود، از مصداق ارتکاب ربا به شمار می آید. (قحف، ص ۸۵)

۲- مثلی بودن پول - چون پول در زمره اموال مثلی بوده، بنابراین بر اساس قاعده مشهور پذیرفته شده در فقه ضمان مثلی به مثل است. چنانچه شخصی بدهکار باشد و بخواهد بدهی خود را تادیه نماید اگر ارزش پولی که دریافت کرده به شدت کاهش پیدا کند، طلبکار حق دریافت بیش از مبلغ اسمی را ندارد. زیرا بین مثلی بودن درهم و دینار و پولهای فعلی تفاوتی نیست. (پیشین، ص ۲۲)

۳- خلاف عدالت- جبران کاهش ارزش پول خلاف عدالت و انصاف می باشد. اصل عدل و انصاف بدون تردید از اصول اساسی دین اسلام بوده ولی سوق دادن ضرری را که متوجه طلبکار است بر بدهکار، عادلانه نیست. بنابراین جبران کاهش ارزش پول جایز نمی باشد همچنین ضرر و

خسارتی که از تورم ناشی می شود، نتیجه قرض و دین یا فعل مقترض و بدهکار نیست، بلکه خارج از اراده اومی باشد. (همان، ص ۲۲)

۴- جهل و غرور- جبران کاهش ارزش پول موجب جهالت و غرور در عقد قرض می شود. اگر معتقد به جبران کاهش ارزش پول در قرض و قراردادهای مالی باشیم ، مقدار قرض ، مجهول و نامشخص می شود چون قرض دهنده مقدار زیادی پولی را که

قرض داده را نمی داند. هم چنانکه، قرض گیرنده نیز درباره مقدار زیادی که باید بپردازد جاهل است و براساس شریعت اسلامی عقودی که جهل در آن باشد باطل و ممنوع است. (حکم المحکمه الشرعیه الاتحادیه الباکستانیہ بشأن الفائدہ (الربا)، ۱۴۱۶، ق. ص ۱۷۴)

نقد و بررسی دلایل مخالفین:

۱- دلیل مثلی بودن مورد تردید و مناقشه میباشد چون برخی از فقها مثلی بودن پول را نپذیرفته اند، بلکه آن را جزء کالاهای قیمی به شمار می آورند. استدلال یکی از فقها این گونه است که اساساً پول قیمی است نه مثلی چون آنچه که در پول معتبر است مالیت آن می باشد. یعنی قدرت خرید آن ارزش دارد. (محمد هادی معرفت، فقه اهل بیت، سال دوم ش ۷، ص ۱۴) با توجه به این که درصد تورم در حدود بیست یا سی سال به اندازه ای نیست که بتوان از آن چشم پوشی کرد، بنابراین باید توان توان خرید پول را در طول این مدت در نظر گرفت.

۲- در این که ربا حرام است هیچ شک و تردیدی در مورد آن وجود ندارد. همچنین روایات زیادی هم در حرمت آن بیان شده است. ولی آیا می توان گفت که مطالبه مبلغ اضافه بر مبلغ عددی به دلیل کاهش ارزش پول، ربا محسوب می شود یا خیر؟ باید گفت که اگر کسی مقداری پول به دیگری قرض بدهد و با فرض این که ارزش پول ثابت بوده و از قدرت خرید آن کاسته نشده، مبلغی اضافه را مطالبه نماید، این زیادی ربا و حرام خواهد بود که این مورد از محل بحث خارج بوده و آنچه که مورد بحث است این است که در فاصله بین ایجاد دین و زمان پرداخت آن از قدرت خرید و ارزش آن به قدری کاسته شود که عرف ادی آن جبران بدهی محسوب نگردد، شخص طلبکار در عمل متضرر خواهد شد. پس می توان این گونه بیان کرد که زیادی مذکور در این فرض ربا نخواهد بود. چون هر گونه افزایش در وام ربا به شمار نمی آید. بلکه این زیادی همان ارزش و مالیت مبلغ اسمی بوده

است. و اگر دریافت مازاد بر مبلغ اسمی پول ربا و حرام باشد، موضوع قرض وجود نخواهد داشت. و با توجه به نوسانات اقتصادی اگر کاهش ارزش مطالبه نشود، قرض الحسنه هم از جامعه بر چیده خواهد شد.

۳- استدلال دیگر مخالفان تعدیل مهریه قاعده اقدام می باشد. در این مورد فرض بر این بوده که آنچه به ذمه زوج قرار گرفته، فرضاً یک اسکناس هزار تومانی بدون لحاظ قدرت خرید بوده است. گفته می شود که هرگونه تغییر در ارزش و قدرت خرید آن تا زمانی که زوج آن را مطالبه نکرده در ضمانت زوج نخواهد بود و زوج لازم نیست که چیزی بیشتر از مبلغ مهر را بپردازد. بر خلاف تصور آنها، در جایی که ذمه شخصی به مبلغی پول امروزی مشغول شود آنچه که به ذمه او می آید ارزش و قدرت خرید پول است. مکارم شیرازی در پاسخ به نامه کمیسیون امور قضائی این گونه بیان می کند که «اگر تورم شدید و سقوط ارزش پول زیاد باشد تا آن حد که در عرف پرداختن آن مبلغ ادای دین محسوب نگردد، باید بر اساس وضع حاضر محاسبه کرد. و در این مسئله تفاوتی میان مهر و سایر دیون نیست...» (پاسخ آیت الله مکارم شیرازی به نامه شماره ۵/۵۶۶۱۹/۵، مورخ ۱۳۷۵/۷/۱۸)

۴- در مورد روایات هم باید این گونه بیان کنیم که موضوع روایات درهم و دینار بوده که پول رایج آن زمان بود. و با پول های امروزی فرق دارد. همچنین دارای ارزش ذاتی بودند ولی پولهای امروزی دارای ارزش مبادله ای و قراردادی هستند که اعتبار ارزش مبادله ای به عنوان معیار سنجش لازم بوده است. به این خاطر برخی از فقها پول امروزی را امر مستحدثه دانسته اند. (یوسفی، ص ۱۸۲)

۵- مخالفین جبران کاهش در ارزش پول به روایاتی استناد کرده اند که در رد این دلیل آنها می توان گفت که این روایات مربوط به درهم هایی بود که از سوی حکام از رواج ساقط می شدند. همچنین باید بگوییم که روایات مذکور با روایت زیر

معارض است. در این روایت آمده: «یونس از امام علی بن موسی الرضا(ع) پرسیده که از کسی سه هزار درهم بستانکارم و آن درهم ها در آن روز میان مردم در گردش بود و امروز در گردش نیست، آیا همان درهم ها را از او بستانکارم یا آنچه امروز در میان مردم داد و ستد می شود؟ حضرت برای او نوشت: لَكَ أَنْ تَأْخُذَ مِنْهُ مَا يَنْفِقُ بَيْنَ النَّاسِ كَمَا أُعْطِيَتْهُ مَا يَنْفِقُ بَيْنَ النَّاسِ». (حر. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۸۸)

۶- در نقد دلیل سوم از دلایل مخالفین فقهای شافعیه می توان بیان کرد که اگر معتقد به این باشیم که جبران کاهش ارزش پول خلاف عدالت است این درست نخواهد بود. چون با عدالت حقوقی سازگار نیست. عدالت حقوقی آن است که دو طرف به آنچه که حقشان می باشد راضی باشند. با توجه به جو تورمی که در جامعه وجود دارد، اگر زوج فقط به ادای مبلغ عددی بسنده نماید، این در حق زوج عادلانه نخواهد بود. و زوجه ضرری را متحمل خواهد شد که هیچ دخالتی در بوجود آمدن آن نداشته است.

۷- برای رد دلیل چهارم (جهل و غرور) فقهای شافعیه می توان گفت؛ هنگامی که کسی به دیگری قرضی میدهد مقدارش همیشه آشکار است و عقد متضمن جهل نیست و هرگاه زمان باز پرداخت فرا رسد، ارزش مبادله ای حقیقی پول بر اساس شاخص قیمتها تعیین و پرداخت خواهد شد. و در صورت بروز اختلاف مصالحه طریق آن است.

۱-۲-۲- دلایل موافقین

تعداد زیادی از فقیهان هم برخلاف نظریه نخست، با جبران کاهش ارزش پول در دیون و ضمانات و تعدیل مهریه موافقند و آنها در این باره به ادله متعددی استناد کرده اند تا جایی که برخی از نویسندگان دلایل زیادی برای موافقت خود نقل کرده اند. که مهمترین آنها به شرح ذیل می باشد:

الف - در فقه امامیه

۱- **نفی ضرر** - یکی از دلایل طرفداران تعدیل، قاعده «لاضرر» است. آنها مدعی بودند که دین مبین اسلام ضرر را نفی کرده است و کاهش ارزش پول در مهر را ضرری برای زن تلقی می کردند، که پس از سالها زحمت در چارچوب مقدس خانه و خانواده، اگر به دلایلی درخواست مطالبه مهرش را کند با وجه ناچیزی که سالها پیش می توانست دارای ارزش باشد مواجه است. (هدایت نیا، ص ۱۶۶)

۲- **عدل و انصاف** - موافقان تعدیل مهریه معتقد هستند که، با توجه به افت شدید قدرت خرید پول، عادلانه نیست که به صورت تعدیل نشده باقی مانده و همان مبلغ اسمی پرداخت شود.

۳- **تفریغ ذمه یقینی** - یکی دیگر از دلایل موافقان این بود که بیان می داشت، فرد هرگاه بخواهد مهر همسرش را تأدیه کند، باید همان میزان قدرت خرید را بپردازد تا ذمه اش تفریغ گردد. اگر تردید داشته باشد که برائت ذمه حاصل شده یا نه، اصل اشتغال ذمه است به عبارت دیگر، اشتغال ذمه یقینی، برائت ذمه یقینی می خواهد. یکی از فقها در این زمینه می گوید:

«ادای وجه رایج روز در مقام تأدیه صدق زوجة مورد مثال، برائت ذمه من علیه الاداء را موجب نمی شود.» (فتاوی محمدی گیلانی، ص ۱۹)

ب - در فقه شافعیه

۱- **اصل عدالت و انصاف** - بنیان اسلام بر اصل عدالت و انصاف است، در حالیکه تورم، این اصل را نابود می کند. زیرا هنگام تورم گروهی در برابر زیان دیگران سود می برند و زمینه تسلط دولت بر اموال مردم بدون اجازه آنها فراهم می شود. همچنین تورم باعث می شود که ثروتمندان از فقیران بهره کشی کنند، و این سیاست، آثار تورم را از

بین می برد یا دست کم کاهش می دهد. رعایت این قاعده، هنگامی که ارزش پول به شدت کاهش می یابد در صورتی امکان دارد که، ملاک در بازپرداخت قدرت خرید حقیقی پول باشد.

۲- قاعده لاضرر - قاعده «لاضرر ولاضرار فی الإسلام، ضرر و زیان در اسلام برداشته شده» (کلینی، ص ۲۹۴)، از قواعد فقهی عام در شریعت اسلام است. تورم موجب ضرر در قیمت حقیقی پول در قراردادهای مدت دار می شود اما روش «ارتباط قراردادهای مدت دار به تغییرات قیمتها»، می تواند از این ضرر جلوگیری کند. مشخص است که نه مدیون و نه طلبکار هیچکدام مسئول این گونه ضرر در تغییر قیمتها نیستند. زیرا عللی که موجب تورم می شود از قدرت هردو خارج است و ارتباط حقوق به تغییرات قیمت، هردو را از زیان محفوظ می دارد. (قحف، ص ۸۵)

۳- وفا به قسط و عدالت - خداوند متعالی در قرآن می فرماید: «حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنید»^۱. (مائده ۱/۵)

قرآن، این امر را در آیاتی تکرار کرده است. وفایه قسط شامل همه انواع معاملات می شود. روشن است که، قیمت حقیقی معاملات و قرضها هنگام تورم پرداخت نمی شود، ولی سیاست «ارتباط حقوق به تغییرات قیمتها» این ضرر را از بین می برد و این سیاست موافق با شریعت اسلامی است. به مقتضای دلالت این آیه، در دیون، مدیون باید مساوی آنچه را که از داین گرفته برگرداند، نه کمتر از آن را، در دیون نقدی مدت دار اگر ارزش پول کاهش پیدا کند، تنها با جبران کاهش ارزش می توان به این حکم واجب الهی عمل نمود. (قحف، ص ۱۸۸)

^۱ - «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ».

۴- **وفابه عهد و پیمانها** - قرآن کریم به ما امر کرده که به عهد و پیمانها وفا کنیم . خداوند متعال می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانها [و قراردادها] وفا کنید^۷». (انعام/۶) (۱۵۲/۶)

قرض دادن، نوعی عقد بین قرض دهنده و مدیون است، و بر مدیون لازم است تا مقدار حقیقی را که دریافت کرده به قرض دهنده برگرداند. سیاست «ربط حقوق به تغییرات قیمتها» تحقق عملی این واجب به شمار می رود. (حنف، ص ۱۸۸)

۵- **عدم دلیل** - ماهیچ دلیلی از قرآن یا سنت نبوی مبنی بر حرمت یادست کم، کراهت این مورد نداریم.

۶- **حدیث مثلاً بمثل** - حدیث نبوی شریف که در آن عبارت «مثلاً بمثل^۸» آمده، مانع از مساوات در قیمت حقیقی اشیای مورد مبادله و پول نیست و نظام ربط حقوق به تغییرات قیمتها، این مساوات حقیقی را تحقق می بخشد. چون این روایات در مورد تساوی در کمیت اشیای ربوی است و شامل تفاوت قیمتها نمی باشد. (نوری، ص ۳۴۷)

۷- **حفظ ارزش پول در مهرها** - جبران کاهش ارزش پول موجب حفظ ارزش حقیقی مهریه مدت دار در عقد ازدواج می شود.

۱-۳- نحوه محاسبه مهر به نرخ روز

برای ماده ۲ آیین نامه «نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است:

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ».

۲- «... الذَّهَبَ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةَ بِالْفِضَّةِ مَثَلًا بِمِثْلِ يَدَا بِيَدٍ سَوَاءً سِوَاءً...».

متوسط شاخص بهادر سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد، ضرب در مهریه مندرج در عقدنامه. مقصود از سال قبل در این ماده ظاهراً سال قبل از محاسبه است که شاخص آن در اختیار مرجع قضایی یا ثبتی می باشد. به موجب ماده ۳، «در مواردی که مهریه زوجه باید از ترکه زوج متوفی پرداخت شود، تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود».

برابر ماده ۱ آیین نامه، درخواست یکی از زوجین برای تعدیل مهر لازم است.

آیین نامه یاد شده بانک مرکزی را مکلف به تعیین شاخص بهای سالهای قبل از اجرای قانون و سالهای بعد و اعلام آن را به قوه قضائیه نموده، (ماده ۴) و این بانک شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری، در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۸۸، را در جدولی اعلام کرده است.

با توجه به آیین نامه و جدول مربوطه می توان نحوه محاسبه مهر در صورت وقوع طلاق یا مطالبه مهر، با وجود ادامه زندگی مشترک زوجین را از چگونگی محاسبه مهر در صورت فوت تفکیک کرد.

۱-۳-۱- نحوه محاسبه مهر در صورت وقوع طلاق و مطالبه مهر با ادامه زندگی

مشترک: در این حالت باید، شاخص سال قبل از سال محاسبه را بر شاخص سال وقوع عقد ازدواج تقسیم و حاصل این تقسیم را در مبلغ مهرالمسمی ضرب کرد تا میزان مهریه قابل پرداخت بدست آید.

$$\text{مبلغ مهریه به نرخ روز} = \frac{\text{شاخص سال قبل از تادیه} \times \text{مبلغ مندرج در عقدنامه}}{\text{شاخص در سال وقوع عقد}}$$

مثال: اگر ازدواجی با مبلغ مهریه ۲۰۰،۰۰۰ ریال در سال ۱۳۵۲ تحقق یافته و قرار باشد مبلغ مذکور در حال حاضر تأدیه گردد، برای محاسبه مبلغ مهریه در حال حاضر (۱۳۸۹) از رابطه ذیل استفاده می گردد:

$$\text{مبلغ مهریه در حال حاضر (۱۳۸۹)} = \frac{\text{عدد شاخص در سال ۱۳۸۸} \times \text{مبلغ مهریه در هنگام عقد}}{\text{عدد شاخص در سال ۱۳۵۲}}$$

بر اساس رابطه فوق و با توجه به اعداد شاخص که در جدول آمده است:

$$200000 \times \frac{203/03}{0/47} = 86395744/6$$

۴-۳-۲- نحوه محاسبه مهر در صورت فوت زوج: اگر زوجه بعد از فوت شوهرش برای وصول مهریه خود از ماترک زوجه اقدام کند، در این فرض در هر تاریخی زوجه بعد از فوت شوهرش مهریه خود را مطالبه کند، باید شاخص سال فوت زوج بر شاخص سال ازدواج تقسیم و حاصل بدست آمده ضرب در مبلغ مهرالمسمی گردد و تاریخ مطالبه ملاک محاسبه نخواهد بود. که این در مواردی، غیر عادلانه و غیرموجه به نظر می رسد و شایسته است که تاریخ مطالبه ملاک عمل قرار گیرد، نه زمان فوت همسر.

$$\text{مبلغ مهریه به نرخ روز} = \frac{\text{شاخص قیمت در سال فوت همسر}}{\text{شاخص قیمت در سال وقوع عقد}} \times \text{مبلغ مندرج در عقدنامه}$$

مثال: اگر زن و شوهر در سال ۱۳۵۰ با مهریه ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال با هم ازدواج نموده و در سال ۱۳۷۰، زوج فوت نموده باشد حال چنانچه زوجه در سال ۱۳۸۹ مهریه خود را مطالبه کند طبق ماده ۳ آیین نامه اجرایی، مهریه قابل مطالبه به شرح ذیل است:

$$\text{مبلغ مهریه به نرخ روز} = \frac{\text{شاخص قیمت در سال ۱۳۷۰}}{\text{شاخص قیمت در سال ۱۳۵۰}} \times \text{مبلغ مندرج در عقدنامه}$$

بنابراین:

$$1000000 \times \frac{8/17}{0/40} = 20625000$$

حال آنکه اگر شاخص قیمت در سال تأدیه (۱۳۸۹) مدنظر باشد، مبلغ مهریه به مبلغ زیر افزایش می یابد:

$$1000000 \times \frac{203/03}{0/40} = 507575000$$

نتیجه گیری: تقویم مهر به نرخ روز آنطوری که در تبصره الحاقی پیش بینی شده در راستای جبران کاهش ارزش پول قابل ارزیابی و محاسبه است. و بر این اساس است که عین مبلغ اسمی در عقدنکاح به ذمه زوج نمی آید، بلکه اشتغال ذمه معطوف به قدرت خریدی است که پول به عنوان یک امر اعتباری معرف آن است. بنابراین اگر از قدرت خرید پول بر اثر گذشت زمان کاسته شود، ذمه زوج با پرداخت مبلغ رایجی که نشان دهنده همان مقدار قدرت خرید است بری خواهد شد.

پیشنهاد: پیشنهاد می شود برای حفظ حقوق زوجه در پرداخت مهر در صورت فوت زوج، هنگام تأدیه، شاخص قیمت در سال تأدیه تقسیم بر شاخص سال وقوع

عقد، ضرب در مبلغ مندرج در عقدنامه شود تا بدین ترتیب از ضایع شدن حق زوجه جلوگیری به عمل آید.

منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- پولادی، ابراهیم، مهریه و تعدیل آن، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳.
- ۳- جرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سیدحمیدطیبیان، ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هفدهم، ۱۳۸۷.
- ۴- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، به تصحیح عبدالرحیم ربّانی شیرازی، قم، مؤسسه آل بیت الاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۲.
- ۵- دادمرزی، سید مهدی، تقویم مهر به نرخ روز (برگرفته از سایت اینترنتی google).
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۳، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

- ۷- سلطانی زمانی، مهدی، نگاه تطبیقی به جبران خسارت تأخیر تأدیه در فقه و حقوق، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال چهارم، پاییز ۸۶، شماره ۱۴.
- ۸- شهیدی، مهدی، نگاه قانون به مسئله مهریه زنان به نرخ روز، نشریه زن روز، شماره ۱۶۷۸.
- ۹- عبدالله، ناصر علی، المعجم البسيط، ۱۳۸۷.
- ۱۰- قحف، منذر، ربط الحقوق و الالتزامات الآجله بتغير الاسعار، المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب النیک الاسلامی للتنمه، المملكة العربیه السعودیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، مؤسسه انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۵.
- ۱۲- کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی.
- ۱۳- کلینی، محمدبن یعقوب، الفروع فی الکافی، ج ۵، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ سوم، ۱۴۰۱ق.
- ۱۴- محمدی گیلانی، استفائات پیرامون کاهش ارزش پول، ماهنامه دادرسی، آذر و دی ۱۳۷۸، شماره ۱۷.
- ۱۵- مظفر، علامه محمدرضا، اصول فقه، ج ۱، ترجمه دکتر عباس زراعت و دکتر حمید مسجد سرایی، قم، نشر حقوق اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۱۶- المعهد الاسلامی للبحوث والتدريب البنك الاسلامی للتنمیه: حکم المحکمہ الشرعیه الاتحادیه الباکستانیہ، بشأن الفائدہ (الربا)، المملكة السعودیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- ۱۷- مهرپور، دکتر حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۸- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.

۱۹- هدایت نیا، فرج الله، حقوق مالی زوجه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۵.